

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه علوم پزشکی لرستان

مرکز بهداشت استان

مهرماه ۱۳۹۳

تهیه کننده: دکتر رضا سالاری

**لزوم افزایش جمعیت در ایران**

## تبعات کاهش جمعیت در ایران

- اندیشکده‌های مرتبط با دشمنان اسلام و ایران به دقت دو مفهوم «**کمیت جمعیت**» و «**کیفیت نیروی انسانی**» مردم ایران را رصد می‌کنند و کاهش جمعیت ایران، یکی از آرزوهای دیرینه آنان بوده است.
- این مقاله که رویکرد توصیفی-تحلیلی دارد، از یک سو به توصیف تغییرات نزولی جمعیت ایران در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته است و از سوی دیگر، تبعات سیاسی-اجتماعی و امنیتی کاهش جمعیت در ایران را بررسی می‌کند. امروزه «عدم تعادل جمعیتی»، مشکل جدی بسیاری از کشورهای جهان است. رویکردی که «اولین دولت» پس از جنگ تحمیلی برای جلوگیری از روند رشد جمعیت در ایران ارائه کرد، مبتنی بر «**ایجاد فرصت**» برای ترمیم آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از **جنگ** بود، لیکن در برنامه‌ریزی کلان برای اجرای این مهم، از این موضوع غفلت شد که دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران همواره مترصد تبدیل فرصت‌های ملت ایران به تهدید هستند. به گونه‌ای که تجربه مقاطع گوناگون روابط خارجی ایران با جهان غرب، این مدعی را به اثبات رسانده است.
- واژگان کلیدی: جمعیت، سیاست-های جمعیتی، تحدید نسل، گذار سنی.

- هشدارهای داده شده درباره روند کاهش جمعیت در ایران، ضرورت تدوین مبحثی که «تبعات سیاسی - اجتماعی و امنیتی کاهش جمعیت در ایران» را بررسی کند، محرز کرده است. مهم‌ترین دلیلی که «اولین دولت» پس از جنگ تحمیلی برای جلوگیری از روند رشد جمعیت در ایران ارائه کرد، «ایجاد فرصت لازم برای ترمیم آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از جنگ» بود.
- روندی که از قبل از پایان نیمه نخست سال ۱۳۶۷ شروع شد [۱]، هدف خود را «کاهش میزان رشد طبیعی جمعیت» کشور از  $3/2$  به  $2/3$  درصد در پایان سال ۱۳۹۰ قرار داد. شدت تبلیغات رسانه‌ای برای کاهش رشد جمعیت کشور به قدری گسترده و اثرگذار بود که با وجود تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی در استان‌های گوناگون کشور، میزان رشد جمعیت (به استثنای استان سیستان و بلوچستان) فراتر از تصور طراحان طرح یاد شده، سیر نزولی پیدا کرد.

بنا بر گزارش‌های رسمی منتشر شده، این روند کاهش جمعیت، در سال ۱۳۷۹ به ۲/۱ درصد و در سال ۱۳۸۵ به ۱/۹ درصد رسید. ادامه این روند نزولی به همراه خوشحالی فراوان برخی سیاستمداران آمریکایی و اروپایی، نگرانی‌های جدی طراحان مسائل کلان کشور را برانگیخت تا جایی که هشدارهای لازم درباره تبعات ادامه این روند خسارت‌بار به سطحی رسید که **رهبر معظم انقلاب اسلامی** در سفر به استان خراسان شمالی در مهرماه ۱۳۹۱ به صراحت به این موضوع پرداختند و در اقدامی راهبردی، به این مبحث وارد شدند و سیاست‌های اتخاذ شده بعد از نیمه دوم دهه ۷۰ را اشتباه دانستند و این اشتباه آن قدر جدی بود که معظم‌له نیز متواضعانه از خدا طلب عفو کردند که بیانگر اوج احساس خطر ایشان نسبت به این موضوع مهم است.

## • الف) تاریخچه مکتوب

• ۱- در تاریخچه مکتوب، بحث روند شکل‌گیری طرح کاهش جمعیت در ایران در دو محدوده زمانی بررسی می‌شود؛ بنا بر ادعای مراکز مدیریتی رژیم قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، «متوسط میزان رشد سالانه جمعیت در دهه ۱۳۳۵-۱۳۴۵ برابر با ۱/۳ درصد در سال بوده است، لیکن در دهه پس از آن، در فاصله سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۵ با کاهش روبه‌رو بوده و به ۷۱/۲ درصد در سال رسیده است. جمعیت کشور تا موعد سرشماری نفوس و مسکن در ۱۳۵۵ از رشد بالایی برخوردار بوده و به ۹/۳ درصد در سال افزایش یافته است.» [۳]

• این موضوع به ایجاد کمیته تدارک برنامه کنترل جمعیت، متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های بهداشت، کار و امور اجتماعی، آموزش و پرورش، اقتصاد، سازمان برنامه، دانشگاه تهران و چند نهاد غیردولتی در سازمان برنامه در پایان سال ۱۳۴۵ منجر شد و این کمیته، خطوط اصلی سیاست جمعیتی را برای دولت تعیین و پیشنهاد کرد.

در ادامه، با آمدن یک هیئت (میسون) از «شورای جمعیت آمریکا» به دعوت دولت ایران به تهران در همین سال، این هیئت بر اهمیت سیاست و برنامه تنظیم خانواده بسیار تأکید کرد. پس از فراهم شدن زمینه‌های لازم، سرانجام در سال ۱۳۴۶ با ایجاد یک سمت و واحد معاونت در وزارت بهداشتی برای تصدی و اجرای برنامه در هر یک از مراکز استان‌ها، دفاتر تنظیم خانواده مجهز به کلینیک، پزشکی، پرستار، ماما، مددکار اجتماعی، مسئول روابط عمومی و مدیر امور اداری تأسیس شد و وسایل پیشگیری از بارداری‌های ناخواسته نیز در اختیار آنان قرار گرفت. در سال ۱۳۵۱ **تعداد هزار و پانصد مرکز و کلینیک** تنظیم خانواده در ایران به فعالیت مشغول بودند. [۴]

۲- بعد از انقلاب اسلامی؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برنامه تنظیم خانواده به حال تعطیل در آمد و در نتیجه، سطح موالید کشور، سیر فزاینده سریعی را آغاز کرد. در پنج سال پیش از انقلاب، تعداد متوسط موالید سالانه به حدود **۱ میلیون و ۳۵۵** هزار می‌رسید که یکبارہ در سال اول انقلاب (۱۳۵۸) به حدود **۱ میلیون و ۶۷۰** هزار افزایش یافت؛ ولی در سال‌های بعد، از این هم فراتر رفت و در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵ (۷ سال) به متوسط سالانه **۲ میلیون و ۲۰۰ هزار** تولد رسید. [۵]

- (ب) تاریخچه شفاهی
- تاریخچه شفاهی روند شکل‌گیری طرح کاهش جمعیت در ایران بدین شرح است: «دکتر علی‌رضا مرندی»، وزیر بهداشت دولت دوم میرحسین موسوی و دولت دوم هاشمی رفسنجانی، (و نماینده فعلی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی) چهره‌ای است که مردم او را با شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» می‌شناسند و نقش او را در سیاست کنترل جمعیت در دوران دولت هاشمی مهم‌تر می‌بینند.
- کاهش نرخ رشد جمعیت در ایران به قدری سریع به وقوع پیوست که باعث اهدای جایزه «سازمان بهداشت جهانی» به ایشان نیز شد. همزمان با درگرفتن برخی مباحث درباره کنترل یا رشد جمعیت، یک پایگاه اینترنتی فعال در حوزه زنان با او مصاحبه‌ای انجام داده است که آقای مرندی، خاطرات جالب خود را از تلاش‌هایش در دهه ۶۰ برای قانع کردن بزرگان کشور در زمینه کنترل جمعیت تشریح کرده است که بخشی از آن به این شرح زیر است: [۶]
- سؤال: آقای دکتر در مورد کنترل جمعیت و وقایع اول انقلاب شاید بتوان گفت یکی از شایسته‌ترین افراد برای ذکر تاریخ شفاهی آن دوران، شما هستید. لطفاً مختصری در مورد این زمان توضیح دهید؛ اینکه چطور شد به این نتیجه رسیدید باید این سیاست‌ها اعمال شود، نظر سایر مسئولین وقت در این خصوص چه بود و چه روندی را طی کردید تا آن‌ها را به تصویب و اجرا برسانید؟



## پیامدهای امنیتی کاهش جمعیت در ایران:

- الف) «جمعیت» به مثابه مفهوم پایه‌ای امنیت؛
- امروزه بحث‌های مرتبط با جمعیت از انگاره‌های امنیت ملی یک کشور تعریف گردیده و از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. مسئله جمعیت که در مباحث راهبردی به عنوان «منابع انسانی» مطرح می‌شود، از جمله مؤلفه‌ها و شاخصه‌های اصلی در تعریف «قدرت ملی» کشورها به شمار می‌رود، تا جایی که برای صیانت از این «مؤلفه قدرت» حاضر به برافروختن نائره جنگ‌های خونین به‌راه اندازند. مصداق روشن این بحث، رویکرد کشور روسیه در حمله مستقیم نظامی به جمهوری گرجستان در ۱۷ مردادماه سال ۱۳۸۸ است که به دلیل دفاع مستقیم از جمعیت روس‌تبار آن کشور صورت گرفته است. [۹]
- از سویی دیگر، تأمل در رویکرد **سازمان‌های بین‌المللی** به مسئله جمعیت، ارتباط مستقیم آن را با مفهوم امنیت آشکار می‌سازد. از آنجا که در آموزه‌های ماسونیت و صهیونیسم، ازدواج و تولیدمثل جایگاه ویژه‌ای دارد، سازمان بهداشت جهانی با اینکه مشوق‌های فراوانی به ایران و برخی دیگر از نقاط جهان برای کاهش جمعیت ارائه داد، **رژیم جعلی و نامشروع اسرائیل** را از برنامه‌های کنترل جمعیت سازمان بهداشت جهانی مستثنی کرد.
- همین موضوع نشانگر آن است که در لوای شعارهای فریبنده سازمان‌های متولی کاهش جمعیت در جهان، برنامه‌های مخربی برای **کاهش منابع انسانی کشورهای معارض با نظام سلطه غرب** تدارک دیده شده است. با وصفی که گفته شد، نکته بسیار حائز اهمیت، بازی دوگانه نظام سلطه غرب با موضوع ایران و ایرانی است. از یک سو برنامه کنترل جمعیت ایران با تبلیغ و تشویق گسترده رسانه‌های غربی به همراه ارائه انواع مشوق‌های مالی و امکانات پزشکی مواجه می‌شد.

- از طرفی دیگر، دولت ایالات متحده آمریکا با همراهی کشورهای اروپایی در رسانه‌های دیداری و نوشتاری جهان بر ترویج سه مفهوم ذیل همت مضاعف گماشتند: نخستین مفهوم، گزاره «اسلام‌هراسی» است. این مفهوم، بر ترساندن «افکار عمومی مردم دنیا» از دین مبین اسلام به‌عنوان منشأ **خشونت، تروریسم و تحریکات افراطی** در جهان تمرکز داشته است. دومین مفهوم، گزاره «شیعه‌هراسی» است که این مفهوم نیز بر ترساندن «افکار عمومی جهان اسلام» از اندیشه برخاسته از «مکتب اهل بیت» (علیهم‌السلام) تأکید داشته است. سومین مفهوم، گزاره «ایران‌هراسی» است که بر ترساندن «همسایگان منطقه‌ای ایران» تمرکز داشته است.

- **ب) نسبت مفهوم «تحدید نسل» با نظریه راهبردی «هارتلند»؛**

- ۱- در راهبردهای نظامی، همچنان تسلط بر قلمروهای راهبردی در رأس اهداف دولت‌های زیاده‌خواه قرار دارد. روند کنونی بیشتر بیانگر این موضوع است که قدرت جهانی را کسی خواهد داشت که بتواند بر **منابع و خطوط انرژی (نفت و گاز)** تسلط داشته باشد. این تفکر راهبردی قبل از هر چیز کنترل بر مناطق دارای ذخایر نفت و گاز در مقیاس کلان را در مدنظر دارد.

- **خلیج فارس** و پس از آن دریای مازندران، آسیای مرکزی و قفقاز و سرزمین‌ها و راه‌های مجاور آن (در کشورهای اطراف و عبوری) مانند افغانستان، پاکستان، ترکیه و روسیه در ارتباط با حلقه‌های انرژی جهانی مورد توجه هستند. جالب آنکه این محور حساس انرژی در جهان در معرض شدیدترین تبلیغات رسانه‌ای به همراه ارائه مشوق‌های گوناگون جهت کاهش جمعیت قرار دارند.

- ۲. یکی از ویژگی‌های اصلی نظام بین‌الملل، اهمیت یافتن «اقتصاد» در عرصه جهانی است. در حال حاضر «قدرت اقتصادی» تا حد زیادی، تعیین‌کننده جایگاه و نقش کشورها در عرصه روابط بین‌الملل است. از این رو مناطقی که از نظر انرژی غنی باشند اهمیت فوق‌العاده می‌یابند و «اقتصاد مبتنی بر جغرافیا» موقعیت آن مناطق را برجسته خواهد کرد. بر این اساس، در توازن قدرت‌های آینده، برتری متعلق به قدرتی خواهد بود که بر مناطق اقتصادی (ژئواکونومیک) جهان مسلط شود.
- از این نظر هر کشوری که بر خلیج فارس تسلط داشته باشد، به موقعیت برتر در صحنه بین‌المللی و در واقع بر «هارتلند» جهان دست پیدا خواهد کرد. در ارزیابی‌های کلی گفته می‌شود، «جغرافیای سیاسی» (ژئوپولیتیک) خلیج فارس دچار تحول اساسی شده است و در نظریه‌های راهبردی اخیر، خلیج فارس به «قلب زمین» (هارتلند) تبدیل شده است. حال، چنین منطقه حساسی از جهان (توسط دشمنانش) در معرض مشوق‌های مزورانه کاهش جمعیت قرار گرفته است.

## پیامدهای سیاسی کاهش جمعیت در ایران:

- الف) بررسی جایگاه «جمعیت» در قدرت سیاسی ایران از دیدگاه «اتاقهای فکر»:
- نحوه طرح مفهوم «قلب زمین» (هارتلند) توسط یکی از «اتاقهای فکر» دشمن، این نکته را روشن خواهد که در پی لبخندها و ژستهای بشردوستانه، چه دیدگاه‌های خطرناک و کینه‌های عمیقی نهفته است. «کمیته خطر جاری» از زمان تأسیس تاکنون، رسالت اصلی خود را شناسایی مهم‌ترین خطرات پیش روی دولت آمریکا و بررسی نحوه مقابله با آن اعلام کرده استبه نحوی که امروزه، مرکز ثقل فعالیت خود را مقابله با قدرت نوظهور منطقه‌ای یعنی نظام جمهوری اسلامی ایران قرار داده و در همین راستا به طراحی پروژه‌های اقدام کرده که به «پروژه دلتا» یا همان جنگ نرم مشهور شده است.
- توصیه جدی طیف گسترده‌ای از پژوهشگران «کمیته خطر جاری» به دولت‌مردان آمریکایی، امتناع از ورود به عرصه «جنگ سخت» و حمله نظامی به جمهوری اسلامی ایران بوده است. آنها با ارائه تحلیلی واقعی از عناصر قدرت ملی و دفاع همه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران در مقابل هرگونه تحرک نظامی، جنگ سخت را فاقد کارایی لازم دانسته و تصمیم‌گیران دولت آمریکا را به اتخاذ الگوی تقابل با شوروی سابق، مبتنی بر «پروژه جنگ نرم» و «فروپاشی از درون» ترغیب کرده‌اند. [۱۷]

«مارک پالمر»، معمار طرح دلتا، از اعضای برجسته این کمیته و چهره بانفوذ دستگاه سیاست خارجی آمریکا، به صراحت با طرح تهاجم نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران مخالفت و اعلام کرده است: «ایران به لحاظ وسعت سرزمینی، کمیت جمعیت، کیفیت نیروی انسانی، امکانات نظامی، منابع طبیعی سرشار و موقعیت جغرافیایی ممتاز در منطقه خاورمیانه و هارتلند نظام بین‌الملل به قدرتی کم‌بدیل تبدیل گردیده که دیگر نمی‌توان با یورش نظامی، آن را سرنگون کرد.» بنابراین روشن است که اندیشه‌های مرتبط با دشمنان اسلام و ایران به دقت دو مفهوم «کمیت جمعیت» و «کیفیت نیروی انسانی» مردم ایران را رصد می‌کنند و کاهش جمعیت ایران، یکی از آرزوهای دیرینه آنان بوده است.

- (ب) مأموریت فراملیتی برای تبلیغ دین مبین اسلام و مکتب اهل بیت (علیهم السلام)؛
- تکوین مفهوم «مأموریت فراملیتی برای تبلیغ» برگرفته از آموزه‌های صریح و روشن دین مبین اسلام است. اسناد قطعی تاریخی حاکی از آن است که در گذشته، **ترویج اسلام و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) در برخی از نقاط جهان** محصول مهاجرت‌ها، تجارت و رفت و آمد ایرانی‌ها بوده است. اهمیت این مسئله بهش قدری بالاست که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (رحمت‌الله علیه) در کنار «**امراساسی حاکمیت**» که موضوع حساس «قضاوت» و «امور حقوقی» جامعه است، به صراحت تمام، ضرورت «تبلیغ» را یادآور شده‌اند.
- آن حکیم فرزانه در ۱۵ شهریور سال ۱۳۶۲ در جمع دانش‌آموختگان امور تربیتی و قضایی قم، اعضای ستاد انقلاب فرهنگی و... فرمودند: «...من تشکر می‌کنم از همه آقایانی که در این امور دخیل هستند و مشغول خدمت و فداکاری هستند، در عین حال از آن‌ها تقاضا دارم، و از همه حوزه‌های علمیه در هر جا که هست، این تقاضا را دارم که دامن به کمر بزنند و تقیصه‌های سابق را، که عقب‌افتادگی‌های سابق را جبران کنند.
- **مبلغ** درست کنند، قاضی درست کنند. چیزهایی که احتیاج دارد اسلام به آن‌ها؛ و تبلیغ اسلام به غیر از این‌ها، یا عمل کردن به احکام اسلام بدون آن‌ها نمی‌شود. بنابراین، با این همه تبلیغات علیه ما، ما هم باید تبلیغات داشته باشیم. ما باید اعزام مبلغ در خارج بکنیم به آن قدری که می‌سور است برای ما؛ و امیدوارم که موفق بشوید، آقایان موفق بشوند هم در دانشگاه و هم در فیضیه، موفق بشوند به اینکه تربیت کنند عده زیادی را از زن و مرد برای تبلیغ...» [۱۹]

نتیجه این بحث آن است که **کاهش جمعیت** کشورمان، تأثیر مستقیمی در  
کندی آهنگ این حرکت جدی آیینی و انقلابی خواهد داشت. این در  
حالی است که فرقه ضاله و هابیت با تبلیغات بسیار وسیع و گسترده  
در جهان اسلام، بخش اعظم آموزه-های فرق گوناگون اسلامی را  
هدف گرفته است.



## پیامدهای اجتماعی کاهش جمعیت در ایران:

- همان گونه که در مقدمه این نوشتار اشاره شد، مهم‌ترین دلیلی که «اولین دولت» پس از جنگ تحمیلی برای جلوگیری از روند رشد جمعیت در ایران ارائه کرد، «ایجاد فرصت لازم برای ترمیم آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از جنگ» بود. امروزه به اثبات رسیده است که کاهش جمعیت ایران نه تنها فرصتی برای ترمیم آسیب‌های اجتماعی نخواهد بود، بلکه خود، معضلات اجتماعی گوناگون را سبب خواهد شد.
- ضمن آنکه بر این نکته تأکید می‌شود که **رشد مکفی جمعیت ایران، ایجادکننده انگیزه و به وجود آورنده نقطه هدف در ایجاد فرصت‌های گوناگون شغلی، ایجاد زمینه‌های آموزشی، بهداشتی، مسکن و دیگر بسترهای لازمه حیات در کشورمان خواهد بود.** برای مثال، در پی افزایش آهنگ رشد جمعیت در دهه ۱۳۶۰ که به ایجاد جامعه‌ای جوان و جمعیت ۱۸ میلیونی دانش‌آموزی در دهه ۱۳۷۰ منجر شد؛ در دهه ۱۳۸۰ شاهد **پیشرفت‌ها، نوآوری‌ها و سازندگی‌های شگرف** به دست همان نسل جوان یادگار دهه‌های گذشته بودیم.

- ذکر این نکته شایان توجه فراوان است که اگر در دهه ۱۳۵۰ در زمان طاغوت، امر پزشکی و درمان را در سایه فروش روزانه شش میلیون بشکه نفت، به عهده پنج هزار پزشک وارداتی از بنگلادش و پاکستان گذارده بودند، اکنون نسل اول دوران انقلاب نه تنها همه تخصص‌های پزشکی و پیراپزشکی را پوشش می‌دهد و در حدود نود درصد داروهای ژنریک مورد نیاز کشور را می‌سازد، بلکه به شبیه‌سازی حیوانات اهلی و کشف داروها و روش‌های نوین پزشکی موفق شده است و این دستاوردهای بدیع را نسل جوان و پویای پس از انقلاب در دیگر عرصه‌ها همچون فناوری‌های هسته‌ای، نانو و هوافضا و... و اجرای طرح‌هایی مانند غنی‌سازی اورانیوم و پرتاب ماهواره پژوهشی ((امید)) نیز داشته است که این‌ها همه به برکت نسل‌های پس از انقلاب اسلامی و جمعیت جوان کشور است. با توجه به آنچه گفته شد،
- برخی تبعات اجتماعی کاهش جمعیت در کشور مورد بررسی قرار خواهد گرفت:
- الف) جایگزینی نیروی کار (مهاجر خارجی) همراه با تبعات فراوان اجتماعی و اقتصادی آن.

- یکی دیگر از پیامدهای اجتماعی کاهش جمعیت در ایران، **جایگزینی نیروی کار مهاجر با نیروی جویای کار داخلی** است که در سال‌های گذشته شاهد تبعات فراوان اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و (حتی در بعضی موارد) امنیتی آن بوده‌ایم. برای نمونه، ازدواج‌های بی‌ضابطه با اتباع فقیر و محروم ایرانی و سپس رها ساختن هزاران فرزند بی‌سرپرست در استان‌های مختلف کشور، یکی از نمونه‌های قابل تأمل بوده است. از سویی دیگر، ایجاد مالکیت‌های غیر قانونی که در آینده به وجود آورنده مشکلات گوناگون حقوقی، سیاسی نیز خواهد بود.

- ب) معضلات روحی و روانی نسل آینده به دلیل **بهره‌مند نبودن از موهبت‌های اجتماعی خویشاوندی** (شامل برادران، خواهران، عمه‌ها، خاله‌ها، عموها، دایی‌ها و...)

- نکته دیگری که به نحو غیر مستقیمی به موضوع جمعیت و زاد و ولد در کشور بستگی پیدا می‌کند، موضوع **«تشکیل خانواده» و «روابط خویشاوندی»** است که در اسلام به هر دوی آن‌ها تأکید شده است. بر اساس اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «خانواده، واحد بنیادی جامعه اسلامی است که همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط، باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.»

- بنابراین، عامل بنیادین گسترش جمعیت، **خانواده** است و خانواده به **خویشاوندی** وابسته است. جمعیت بدون خانواده زیاد نمی‌شود و خانواده بدون خویشاوندی و خانواده بزرگ و خاله و عمه و دایی و عمو دارای تقص‌های فراوان هنجاری خواهد بود. چراکه خانواده و سنت‌ها لازم و ملزوم یکدیگر هستند.
- یعنی اینکه سنت، مؤید خانواده است و در مقابل، خانواده به پاسداشت سنت‌ها همت می‌گمارد. در چنین صورتی، باید برای اصلاح روند نامعقول کاهش جمعیت، بر روی مفهوم خویشاوندی تأکید جدی شود؛ در غیر این صورت، دو یا سه نسل دیگر جامعه ما با بحران خویشاوندی روبه‌رو خواهد بود.
- ج) **هنجار شدن فرهنگ اروپایی زندگی** بدون فرزند در میان بخش (اندکی) از مردم ایران
- اسناد روشنی وجود دارد که در جامعه اروپا به علت فقدان جهان‌بینی معرفتی، بنیان خانواده‌ها آسیب‌های فراوانی را تجربه کرده است. یکی از این آسیب‌های بسیار جدی توافق بر تداوم زندگی بدون فرزند است به طوری که به همین دلیل، نرخ رشد منفی را در این کشورهای مرفه و ثروتمند تجربه می‌کنند. متأسفانه نگاهی اجمالی به پایگاه‌های اجتماعی در عرصه اینترنت، گواهی بر این ادعاست که نمونه‌های روشنی از پذیرش این هنجار منفی اروپایی در میان بخش (هر چند) اندکی از جامعه ایرانی رواج یافته است.

- (ح) کاهش جمعیت بخش کشاورزی و تأثیر مستقیم آن بر رونق اقتصادی کشور
- برای درک اهمیت بخش کشاورزی لازم است به این نکته توجه شود که از دیدگاه برخی پژوهشگران، کشاورزی، شناسه تاریخ و تمدن بشریت است. هدف نهایی کشاورزی از دیرباز تأمین غذا به عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای حیاتی بشر تعریف شده است.
- بنابراین امنیت غذایی دارای آنچنان اهمیتی است که امروزه به عنوان کالای عمومی تعریف شده و دولت‌ها موظف به تأمین آن شده‌اند. از سویی دیگر، «تأمین استقلال کشور» از اهداف محوری انقلاب اسلامی است. دستیابی به این مهم نیز بدون توجه به تأمین مواد غذایی، امری محال است و با عنایت به اینکه بخش کشاورزی و منابع طبیعی، تأمین‌کننده مواد غذایی کشور است؛ لذا آسیب دیدن این بخش در حقیقت، برای استقلال و امنیت ملی کشور مخاطره‌آمیز است.
- از طرفی، سیاست‌گذاران امور گوناگون در کشور اذعان دارند کشاورزی در فرایند رشد و پیشرفت کشورمان نقش حیاتی رد و بسیج منابع برای توسعه این بخش را ضروری می‌دانند. «در برخی از کشورهای برخوردار از امکانات فنی حرفه‌ای با اتکا به فناوری‌های نوین و حمایت‌های هدفمند نسبت به ارتقای بهره‌وری و بهبود عملکرد در حوزه کشاورزی، با این حال با اعطای یارانه هدفمند (به اندازه نیمی از ارزش محصولات) از تولیدکننده محصولات کشاورزی حمایت به عمل می‌آید.»

- در نظام جمهوری اسلامی ایران بخش کشاورزی وظیفه تأمین امنیت غذایی متکی بر تولید داخلی با استفاده علمی و کارآمد از منابع آب و خاک و سایر منابع و حفاظت از منابع طبیعی را به عهده دارد. این بخش با برخورداری از حدود ۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی، ۲۰ درصد اشتغال و سهم قابل توجهی از صادرات غیر نفتی و حدود ۸۰ درصد مواد غذایی مورد نیاز کشور، جایگاه والایی در اقتصاد ملی دارد. اعمال تحریم‌های دشمن، وزن استقلال غذایی در اتخاذ راهبردهای کلان کشور را دو چندان کرده است.

- با وصفی که گفته شد، جوامع روستایی و عشایری به عنوان جامعه تولیدکننده، بستر اصلی فعالیت‌های کشاورزی کشور بوده و هر تحولی در کاهش جمعیت کشورمان (در بخش کشاورزی)، تأثیر مستقیمی بر رونق اقتصادی کشور خواهد داشت که به آن اشاره خواهد شد:

- ۱. نقصان در تأمین و ارتقای امنیت غذایی و جلوگیری از نیل به خودکفایی در تولید محصولات اساسی کشور و در نتیجه ایجاد وابستگی به واردات محصولات راهبردی.

- ۲. بی نتیجه ماندن برنامه‌های اصلاح الگوی کشت و ضعف شدید بهره‌وری عوامل تولید محصولات کشاورزی.



- ۳. کاهش شاخص تغذیه و نیز کم شدن مصرف سرانه پروتئین حیوانی در کشور.
- ۴. کاهش کیفیت محصولات کشاورزی و اثرگذاری آن بر نظام سلامت و بهداشت کشور.
- ۵. سیر نزولی کشت‌های متراکم گلخانه‌ای با توجه به مزیت و بهره‌وری بالای آن در افزایش تولید و کاهش مصرف آب.
- ۶. کاهش سرمایه‌گذاری و از بین رفتن زمین‌ها و انگیزه‌های جذب سرمایه‌های داخلی به بخش کشاورزی.
- ۷. از بین رفتن ترکیب و تنوع نژادی گونه‌های دام، طیور و... در کشور. (برای نمونه در برخی روستاهای کشور فعالیت‌های دامداری به کلی از بین رفته است.)
- ۸. بی‌استفاده ماندن ظرفیت دانش‌آموختگان کشاورزی و منابع طبیعی کشور (که اغلب انگیزه‌ای برای بازگشت به روستاها و نیز فعالیت در رشته تحصیلی خویش ندارند).
- ۹. کهولت سن کشاورزان و کندی فوق‌العاده روند جایگزینی نیروهای جوان و خلاق.

## نتیجه :

- اگر پذیرفتیم که زمینه وقوع چند جنگ خونین و خسارت‌بار تاریخ ایران (مانند حمله مغول، غارتگری اشرف افغان و جنگ‌های ایران و روس)، گزارش جاسوسان اعزامی مبنی بر قلت جمعیت و انتشار این جمعیت اندک در گستره وسیع سرزمینی ایران بوده است؛ این مسئله تردیدپذیر نیست که جمعیت مکفی (۱۵۰ میلیونی) در کنار وسعت سرزمینی ایران، ایجادکننده اقتصاد قدرتمند منطقه‌ای و به وجود آورنده نظام دفاعی برخوردار از نیروهای مکفی خواهد بود.
- البته باید توجه داشت که آهنگ رشد جمعیت، مستلزم ایجاد فرصت‌های شغلی و زمینه‌های آموزشی، بهداشتی، مسکن و دیگر بسترهای لازم است تا موجبات ناهنجاری‌ها و دشواری‌های اجتماعی را فراهم نکند. در عین حال، ذکر این نکته شایان توجه فراوان است که تجربه هزاران سال زندگی اجتماعی بشر ثابت کرده است که جوهره وجودی انسان‌ها در مواجهه با سختی‌ها و مشکلات قوام خواهد یافت و استعدادهای درونی بشر شکوفا خواهد شد.



- به نظر می‌رسد رعایت چهار نکته مهم می‌تواند ارائه‌کننده افق‌هایی جدید برای پرداختن به موضوع حساس «جمعیت» در ایران باشد:
- یک: در مقوله مطالعات درباره چگونگی «نیل به جمعیت مطلوب»، نیاز به تقسیم کار علمی وجود دارد و باید همه مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌های کشور موظف به انجام پژوهش‌های علمی (هماهنگ‌شده) در این زمینه باشند تا نتایج حاصل، از قوام و پختگی لازم برخوردار باشد.
- دو: بازنگری در مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناختی «دانش اقتصاد» که اباحی‌گری در شالوده آن جریان دارد و تنظیم حرکت در مسیر «اقتصاد اسلامی» مبتنی بر معارف قرآنی، که دورنمای روشن و مثبت جمعیتی را ارائه خواهد کرد.

- سه: از آنجا که حضور جمعیت فعال در مرزهای کشور می‌تواند موجبات امنیت فراگیر در این نقاط را به دنبال داشته باشد، انجام فعالیت حول دو محور می‌تواند بسیار راهگشا باشد: نخست، **توسعه بخش کشاورزی** در این نقاط است که می‌تواند به ثبات امنیت در مرزها کمک کند. دوم اینکه با توجه به طرح کلان ارتش جمهوری اسلامی ایران برای تشکیل «**پادگان‌شهرها**» **کنار مرزهای وسیع ایران**، این موضوع می‌تواند ایجادکننده ظرفیت‌های بزرگی برای مهاجرت‌های حساب‌شده به اطراف پادگان شهرهای یادشده و افزایش هدفمند جمعیت کشور باشد.
- چهار: با توجه به اظهار نگرانی برخی از ارائه مشوق‌های جمعیتی، نکته حائز اهمیت این است که **رشد آگاهی‌های فرهنگی و اجتماعی مردم** به قدری است که مشوق‌ها به هیچ‌وجه باعث افزایش افسارگسیخته جمعیت نخواهد گردید؛ بلکه مردم را نسبت به عواقب کاهش جمعیت کشور هوشیار می‌کند و احساس مسئولیت عمومی را برخواهد انگیخت؛ به‌ویژه آنکه اغلب خانواده‌های مؤمن و مذهبی از متن بیانات حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) وظیفه دینی و اجتماعی خویش را دریافت کرده‌اند.
- منبع: <http://Faternews.ir>

تهیه کننده: مرکز بهداشت استان - دکتر رضاسالاری - مهرماه ۱۳۹۳